

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

○ علی شریفی

۱۵۵

انگیزه قیام

جنبش شیخ حسین چاه کوتاهی در سال ۱۳۳۳ ق در نواحی جنوبی ایران و در نزدیکی بوشهر علیه قوای انگلیس شکل گرفت. با اعلام حکومت مشروطه در سال ۱۹۰۶ م/ ۱۳۲۴ ق و به ثمر نشستن تلاشهای آزادیخواهان ایران طولی نکشید که استعمارگران روس و انگلیس در توافق نامه ای ایران را بین خود تقسیم کردند. با نزدیک شدن جنگ جهانی اول، انگلیسیها منطقه حایل را یعنی همان منطقه ای که این جنبش در آن واقع شده است، اشغال کردند. اشغال ایران توسط استعمارگران عملی برخلاف عرف و حقوق بین الملل و حق حاکمیت ایرانی بر سرزمین خود بود. ضمن آنکه ایران سیاست بی طرفی نیز در پیش گرفته بود. اشغال بندر بوشهر به وسیله قوای نظامی انگلیس مستلزم تبعات بعدی بود. از این رو انگیزه های جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی از اشغال ایران توسط انگلیسیها و پیامدهای آن نشأت گرفت.

تصرف بوشهر، نخستین گام انگلیسیها برای سلطه طلبی و تجاوز آشکار به سرزمین ایران به شمار می رفت. اگرچه انگلیسیها پیش از آن در بنادر جنوبی ایران بویژه بوشهر رفت و آمد و حتی کنسولگری داشتند؛ اما با تصرف بندر بوشهر، احساسات وطن خواهی عده زیادی از مردم جنوب و از جمله شیخ حسین خان چاه کوتاهی را برانگیختند.

رهبری جنبش همچنین بر این باور بود که انگلیسیها با تصرف بندر بوشهر، عملاً راه ارتباط

تجاری و حیات منطقه و ساکنان آن را با دیگر مراکز مهم تجاری جنوب قطع کرده اند. بدین طریق انگلیسیها علاوه بر حیات سیاسی، حیات اقتصادی مردم جنوب شامل دشتستانیها را نیز به مخاطره انداختند.

بر اساس گزارشهای سالیانه سرپرسی سایکس، از اوضاع اقتصادی بوشهر در سالهای ۱۹۰۶ - ۱۹۰۵ م، روشن می شود که مسیوهین ستر در واپسین روزهای سال، از بنادر دریای خزر به بوشهر انتقال یافت و به جای مسیو و افلیرات به مدیریت کل گمرکات جنوب منصوب گشت. وی در بدو ورود به بوشهر امیدوار به حل مشکلات موجود بود. اما تا حدودی ناکام ماند زیرا در آغاز مایل به پیگیری و اجرای جدی تر از پیش مقررات گمرکی بود. در نتیجه تجار ایرانی و اروپایی به عنوان اعتراض، از ترخیص کالاهایشان از گمرک بوشهر خودداری کردند و تجار ایرانی حتی پارافرا تر نهاده با ارسال تلگرافی به شاه و نخست وزیر درخواست رسیدگی نمودند. مقامات مسئول در تهران نیز در تلگرافی از عالیجناب دریایی خواستند تا در مورد اعطای امتیاز به تجار با مدیر گمرک همکاری کرده آنها را به ترخیص کالا ترغیب سازد. با این حال سایکس از روش بسیار سخت و انعطاف ناپذیر مسیوهین ستر با تجار و پيله و ران محلی و همچنین عامه مردم که از پشتیبانی عمیق روحانیون برخوردار بودند نگران بوده است. بنابراین تشکیلات گمرک مطابق خواست مردم تغییر نکرد. بر همین اساس در فوریه ۱۹۰۶ م [بهمن ۱۲۸۵] زمانی که مدیرکل گمرک از تخلیه محموله شناورهای محلی در باراندازهای خصوصی جلوگیری کرد، مردم با مراجعه به علما مدیر گمرک را وادار به لغو دستورانش ساختند. از سوی دیگر اجرای تعرفه جدید گمرکی، تجار محلی را به قاچاق کالا ترغیب کرد.^۱

با پیروزی جنبش مشروطیت و گسترش روح ملی گرایی و آگاهی عمومی از شرایط سیاسی، مردم ایران بویژه مردم بوشهر که از نزدیک با فشار و سخت گیری انگلیسیها آشنا بودند، منافع انگلیسیها را به خطر انداختند. جنبش شیخ حسین چاه کوتاهی نیز در این راستا بوده است. سایکس کنسول انگلیس نیز در گزارش سال ۸-۱۹۰۷ م خود آورده است که: «جنبش ملی ایران به طرق زیاد بر منافع انگلیسی تأثیر معکوس داشته است. راههای تجاری را ناامن کرده است و از طرفی به سبب رفتار و نگرش ضداجنبی انجمنها و روزنامه های محلی، با توجه به اینکه درآمدهای این دو نیروی مودی کاهش یافته و با آن وظایف اجرایی که برخوردارند اقتدار مقامات رسمی دولت را تضعیف کرده و وادارشان می نماید تا برخلاف سابق در رفتارشان با ما کمتر موضعی آشتی جویانه داشته باشند.»^۲ وی همچنین در مورد اوضاع جنوب ایران و شرایط حاکم آن روز گفته است که آزادی مطبوعات و اعطای حق برپایی اجتماعات سبب شده است تا در جنوب ایران نیرویی با عنوان «حزب ایران جوان» به وجود آید.^۳ این فشار بر انگلیسیها سنگین آمده بود.

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

اوضاع اقتصادی بوشهر و منطقه جنوب ایران تا وقوع جنبش شیخ حسین چاه کوتاهی نابسامان بود و این موضوع در گزارشهای سالیانه سایکس منکس منعکس شده است. از این رو باید در کنار روح اجنبی ستیزی، از مشکلات اقتصادی نیز به عنوان یکی از دلایل وقوع جنبش یاد کرد که در پی حذف اقتدار و حاکمیت انگلیسیها بر حیات اقتصادی و سیاسی مردم جنوب بود.

پیشینه شیخ حسین خان

شیخ حسین خان دموخ معروف به چاه کوتاهی ملقب به سالار اسلام، پیش از انقلاب مشروطه نیز یکی از چهره‌های مشهور و شناخته شده جنوب ایران بود. خاندان دموخ در قرون میانه از منطقه نجد عربستان به نواحی جنوبی ایران مهاجرت کردند و در روستای چاه کوتاه در نزدیکی بوشهر ساکن شدند. نفوذ و فعالیت این خاندان در تحولات محلی از سالهای پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار آغاز شد. پدر بزرگ شیخ حسین در ماجرای نبرد ری شهر در نزدیکی بوشهر همراه دیگر مبارزان در برابر تجاوز نیروهای انگلیسی در سال ۱۲۷۳ ق شرکت داشت. پدرش شیخ احمد دموخ نیز حکمران بلامنازع نواحی چاه کوتاه و احمدی بود و پس از مرگ وی بر سر ملک و املاکش بین فرزندان اختلاف افتاد. شیخ حسین خان یکی از برادران را تبعید و دیگری را از میان برداشت و قدرت ماترک پدر را تصرف کرد. شیخ حسین ابتدا با انگلیسیها - که هم زمان با او در خلیج فارس قدرت گرفته بودند - و میرزا احمدخان دریابگی، حکمران بنادر جنوب و بوشهر، روابط دوستانه‌ای برقرار کرد و با پشتیبانی مادی و معنوی آن دو با مخالفان و رقبای محلی خود در منطقه تنگستان به مقابله برخاست.^۴ در همین زمان رئیس الوزرای وقت، سپه‌دار اعظم در تلگرافی، شیخ حسین خان چاه کوتاهی را در غیاب حکومت و قوای نظامی، مأمور محافظت از بوشهر و اطراف آن کرد.^۵ در ابتدا شیخ حسین خان با انگلیسیها و دولت وقت ایران همکاری آشکاری داشت، اما حوادث دیگری در ۱۳۳۳ ق رخ داد که موجب تقویت انگیزه‌های جنبش مقاومت شیخ حسین خان در مقابل ورود انگلیسیها به منطقه شد. تحریض و تشویق علمای منطقه و نیز گرفتاری کنسول آلمان، واسموس، در منطقه حیات داوودی و گرفتاری کنسول و تاجر آلمانی در بوشهر (کارمند شرکت وانکھوس و همسرش) افکار مردم را علیه انگلیسیها برانگیخت و مردم یقین کردند که انگلیس ایران را یکی از متصرفات خود محسوب کرده در پی تصرفات مالکانه است. افزون بر این، انگلیسیها، به اعتراض دولت بی طرف ایران نسبت به تضييع حقوق کنسول و تاجر آلمانی نیز وقعی ننهادند و خانه حاج علی تنگستانی، کدخدای ری شهر را بمباران کرده، اموال و دارایی اش را غارت کردند و چند نفر از بستگانش را به قتل رساندند و لباس خانواده اش را که در نزد مردم جنوب حکم ناموس آنان را

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

توپهای کوه شکاف و خمپاره‌های صاعقه مانند کند. شخص پول دوست آن قوت قلب را ندارد که (همچون شیخ حسین خان چاه کوتاهی) فرزند رشید جوانش در پیش چشمش کشته و شهید گردد و قطره اشکی از چشمش سرازیر نشود. این کار را کسی می‌کند که شرف را بالاتر از هر چیز تصور کند، این کار را کسی می‌کند که مغز و دماغش پر از محبت آزادی و عشق وطن پرستی و حسن دیانت باشد.^۸

در نیمه ربیع الثانی ۱۳۳۳ و اساموس آلمانی و همراهانش که از راه بغداد برای اداره کنسولگری شیراز وارد حیات داوودی شده بودند، به دستور کنسول انگلیس در بوشهر، توسط چند تن از خوانین بندر ریگ دستگیر و اموالشان به غارت رفت. و اساموس شبانه خود را به شبانکاره و منزل محمدعلی خان پسر اسماعیل خان شبانکاره از طرفداران انگلیس رساند و او نیز و اساموس را به همراه چند تفنگچی روانه برازجان کرد تا به شیراز رود. کاپیتان ادوارد ویلیام چارلز نوئل، دستیار دوم نماینده سیاسی مقیم بوشهر و یکی از مهره‌های مهم انگلیس در جنوب ایران، تا برازجان در پی و اساموس رفت. یاور علی قلی خان، رئیس ژاندارمری برازجان، از بی‌احترامی انگلیسیها نسبت به ایران و دولت بی‌طرف آن عصبانی شد و مردم برازجان هم از خود واکنش نشان دادند. کاپیتان نوئل نیز به اجبار خود را به روستای احمدی، میان برازجان و بوشهر که متعلق به خانواده چاه کوتاهی بود، رساند. شیخ محمدخان پسر شیخ حسین خان چاه کوتاهی که رابطه دوستی با انگلیسیها داشت، از تعقیب و اساموس و نقض بی‌طرفی دولت ایران توسط انگلیسیها ناراحت شده واکنش نشان می‌دهد. کاپیتان نوئل از محمدخان، یاری می‌طلبد و با یادآوری دوستی گذشته قرار می‌شود تا چهل هزار تومان پول و دویست هزار فشنگ برای محمدخان فرستاده شود تا چنان که کسی بر ضد اقدامات انگلیس شورش و حرکتی کرد، سرکوب شود. محمدخان موضوع را پس از رفتن کاپیتان نوئل به اطلاع پدرش شیخ حسین چاه کوتاهی می‌رساند که با مخالفت جدی شیخ رو به رو می‌شود. یک هفته بعد، هربرت چیک نایب کنسول انگلیس در بوشهر و مسئول روابط با خوانین و رهبران محلی، در نامه‌ای به شیخ محمدخان چاه کوتاهی خواستار جواب شیخ می‌شود. شیخ نیز در پاسخ می‌نویسد «به واسطه گرفتاری قونسول آلمان در بنادر و هیجان مسلمین از هر طبقه، حیرانم و تکلیف خود را نمی‌دانم. اگر بخواهم علناً با شما همراهی کنم ملعون در این دو جهان می‌شوم و قاطبه مسلمین فحش به اجداد و اسلافم داده و به خودم ناسزا می‌گویند و علماء و مجتهدین هم حکم کفرم را کرده و زنهایی که علماء برای ما عقد شرعی می‌بندند حرام می‌نمایند. شما کار را خراب کردید. قونسول آلمان یک نفر بود و مقرون به صواب نبود که دولت بیهیه اقدام در گرفتاری این یک نفر کند و تمام ایران و تمام خوانین دشتی و دشتستان و ایلخانی فارس به هیجان بیایند و بگویند دولت انگلیس امروز در مملکت

داشت، در بازار به معرض فروش گذاردند. مردم به خوبی از مقصود انگلیسیها آگاه بودند و می دانستند که دستگیری سرکنسول آلمان برای جلوگیری از فساد نبوده، در پی زمینه سازی برای تحریک مردم و در نتیجه لشکرکشی به ایران هستند تا به استقلال ایران خاتمه دهند. از این رو برخورد با حاج علی تنگستانی را در جهت القای رعب و واهمه می دانستند.^۶

به دنبال این واقعه، علمای دشتی و دشتستان همچون شیخ محمدحسین برازجانی و سیدمرتضی اهرمی و نیز حاج سیدعبدالحسین، مجتهد لارستان در ۲۷ شعبان ۱۳۳۳ اعلان جهاد داده، مردم را به دفاع تحریص نمودند و علمای شیراز هم مردم را به دفاع فراخواندند. شیخ محمدحسین برازجانی در نامه ای اعتراض آمیز خطاب به سرپرسی سایکس، کنسول وقت انگلیس در بوشهر، مداخله بی جا و گرفتاری کنسول آلمان را محکوم کرد. با انتشار این نامه و صدور فرمان جهاد، مردم به هیجان آمده، آماده فداکاری شدند.^۷ میرزاعلی کازرونی یکی از مشروطه خواهان بوشهری نامه سرپرسی سایکس و پاسخ شیخ محمدحسین برازجانی را در جزوه ای چاپ و در بوشهر منتشر کرد. درباره علت مخالفت علما بویژه شیخ حسین خان با دستگیری کنسول آلمان، احمد فرامرزی، نویسنده خاطرات شیخ حسین خان چاه کوتاهی به نقل از پسر شیخ می نویسد که در سال ۱۹۱۸ م، تنها چند سال پس از جنبش مقاومت علیه انگلیسیها، برخی شایع کردند که شیخ حسین خان با دریافت پول از آلمان، جنبش مقاومت را پایه ریزی کرد. نویسنده کتاب این اشخاص را به دو دسته تقسیم می کند:

۱- آنان که آگاهانه قضایا را می دانند و به سبب دسپس اجانب می خواهند حق کشی کنند. ۲- به واسطه قصور ادراک و نداشتن قوه ممیزه این حرف را می زنند زیرا همه می دانند که کنسول آلمان پس از درگیری مجاهدین با انگلیس پس از مدتی با دست تهی به آنها ملحق شد و تمام دارائی اش در حیات داوودی غارت شد، و شیخ حسین خان و زائر خضرخان مخارج واسموس آلمانی را می دادند و اگر مقصود شیخ حسین خان و زائر خضرخان پول بود، انگلیس حاضر به دادن پول بیشتری بود. هر کس از مقدار پولهایی که انگلیسیها در اثنای جنگ به ابن سعود حاکم نجد و شریف مکه می دادند مسبوق است به خوبی می داند که انگلیس در موقع کار از هر دولتی پول در نظرش بی مقدارتر [است] و در وقت ضرورت حاتم بخشیهایی می کند و تمام پیشرفت انگلیس در هر مورد به واسطه دادن پول و رشوه بوده و هست. ما از اشخاص بی وجدانی که این اشاعات به زبان دشمن می دانند سؤال می کنیم آیا کسی به وعده پول، خود متحمل چنین امر عظیمی که به کلی عاقبتش نامعلوم است می شود؟ شخص پول می گیرد و خیانت می کند، ولی نه طوری که جان و اولاد و دارائی اش را به معرض خطر گذارد. پول پرست برای خاطر پول مستعد فداکاری و جانفشانی نمی شود. شخص پول پرست سینه اش گنجایش آن را ندارد که سینه را هدف گلوله،

بی طرف ما دست درازی به قونسول آلمان کرده فردا کار دیگر می کند و مذهب ما را از بین می برد. از آن وقت تا به حال که حکم علمای نجف مبنی بر قیام مسلمین به جهاد صادر شده بنده به ملامت و حسن تدبیر خوانین دشتستان از جنگ با انگلیس مخالفت کرده ام. کار از حد گذشته است، نه اندازه شورش و هیجان در اسلام پدید آمده که بتوانم عرض کنم و مردم بنده را به همراهی با خود مجبور کرده اند. از دشتی و دالکی و تنگستان و برازجان و شبانکاره پونزده الی شونزده هزار جمعیت هم عقیده شده اند. ایلخان فارس هم با آنها همراه است.» وی سپس محرمانه خواستار بازگرداندن کنسول به بوشهر می شود.^۹

در پاسخ به این نامه، مستر چیک، نایب کنسول انگلیس در بوشهر، نامه ای به تاریخ ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳ مطابق با ۱۴ مارس ۱۹۱۵ برای وی می فرستد. مستر چیک ویس قونسول دولت بهیه انگلیس (لفظی که خود در زیر نامه آورده است) می نویسد: «از بابت رفتار جنابعالی افواهاات خیلی غریب در بوشهر می باشد. بعضی می گویند که پیغام به مددها فرستاده اید که با لشکر به بوشهر خواهید آمد تا مطالبه کنسول آلمان بنمایید. سایرین می گویند که جنابعالی پیش خان برازجان و تنگستان می روید تا بر بوشهر مهاجمه کنید و دیگران می گویند که با خوانین دشتستان دست می دهی، تا بر حیات داوود حمله نمایید.»^{۱۰}

۱۶۰

از این دو متن انگیزه های ایجاد جنبش مقاومت شیخ حسین خان چاه کوتاهی مشخص می شود. زیرا شیخ حسین از پذیرفتن همکاری با انگلیسیها به دلیل احساسات وطن پرستی و حمایت معنوی علما و مردم و مشکلات اقتصادی ناشی از حضور نیروهای انگلیسی در روابط آزاد تجاری با بنادر جنوبی خلیج فارس، سرباز می زند. از سوی دیگر مستر چیک در گزارشی بر همکاری شیخ حسین خان با نیروهای مردمی تأکید می کند و این مطلب را در نامه ای به او یادآور می شود. به هر حال شیخ حسین خان چاه کوتاهی در رأس جنبش مقاومت قرار می گیرد و به همراهی زائر خضرخان و دیگر سران منطقه دشتی همچون زائر محمد صالح دشتی و رئیس خورشید و فقیه حسین مظفر و رئیس عبدالحسین در محل گورک واقع در چهارفرسخی بوشهر، معاهده ای را به امضا می رسانند. منابع در اینجا ذکری از مفاد معاهده ندارند، اما گفته اند که هدف آنها عبارت بود از: ۱- دفاع از مملکت ۲- تلافی قضیه حاجی علی تنگستانی ۳- آزادی کنسول آلمان که در کنسولخانه انگلیس توقیف بود. آنها پس از عقد معاهده متوجه بوشهر شدند و در نزدیکی سبزآباد، یک فرسخی بوشهر، محل خوش آب و هوای استقرار کنسولخانه انگلیس، اردو زدند. شلیک تصادفی و قتل یکی از اردو نشینان را به فال بد گرفتند و سیدمرتضی اهرمی مجتهد دستور داد به احترام ماه رمضان دست به کارزار نزنند. از سوی دیگر رئیس علی دلواری نیز برای کمک به مجاهدین از دلوار به سبزآباد آمد اما شب هنگام کسی را در آنجا ندید.

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

فردای آن روز برابر با ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۵/۲۹ شعبان ۱۳۳۳ چند نفر صاحب منصب انگلیسی با چند نفر از سواره نظام برای کسب خبر از وضعیت مجاهدین و تحقیقات جنگی راهی سبزآباد شدند و با رئیس علی دلواری درگیر شده سه نفر صاحب منصب انگلیسی از جمله اولیفانت و رنکینگ و چند نفر هندی همراه آنها کشته شدند. انگلیسیها برای ارباب مجاهدین، لشکری به گورک (محل بیعت مجاهدین) فرستادند. در شب ۲۲ رمضان ۱۳۳۳ شیخ حسین خان از چاه کوتاه و زائر خضرخان از اهرم در چغادک واقع در ۲۰ کیلومتری بوشهر، ملاقات می کنند. انگلیسیها مانع از تردد اهالی شدند و مجاهدین نیز در سربست، دو فرسخی بوشهر، سنگر گرفتند. انگلیسیها، پرچم ایران را در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ پایین آوردند و در بوشهر حکومت نظامی اعلام شد. همچنین، سربازان ژاندارمری مقیم بوشهر تحت فرماندهی سلطان احمدخان را خلع سلاح کردند و عده ای از اهالی بوشهر را که مخالف حضور انگلیسیها در شهر بودند، از جمله موقرالذوله حاکم ایرانی بوشهر را به هندوستان تبعید کردند. آقا میرزا علی کازرونی لسان المله، از عناصر وطن پرست، شبانه برای تحریض مجاهدین به برازجان رفت. مجاهدین هر شب بر مرکز اردوی انگلیسیها شبیخون می زدند. انگلیسیها دارایی شیخ حسین خان چاه کوتاهی را در بانک شاهی شبانه توقیف کردند. در ۲۶ رمضان همان سال عده ای به ساختمان گری پال که بعدها به گری مکنزی تغییر نام داد یعنی همان مرکز تجاری - اقتصادی وابسته به انگلیسیها، حمله کردند. در ماه شوال ۱۳۳۳ نیز جنگ ادامه یافت و تلگراف خانه انگلیسیها تخریب شد. در اوائل شوال، انگلیسیها با چهار کشتی جنگی به بندر دلواری، در پنج فرسخی بوشهر، حمله کردند و با قطع درختان خرما فجایع دیگری به بار آوردند. رئیس علی دلواری مقاومت کرد و زائر خضرخان به همراهی دو بیست نفر از همراهانش به کمک او شتافتند و آنها را مجبور به فرار نمودند.

از سوی دیگر انگلیسیها که در تنگ اردو زده بودند توسط شیخ حسین خان چاه کوتاهی و دو بیست نفر یارانش که در ۱۷ شوال ۱۳۳۳ به کوه گزی رفته بودند محاصره شدند. در صبحگاهان جنگ شروع شد و عصر هنگام انگلیسیها شکست خوردند. شیخ حسین نیز به سربست مرکز اردوی خود برگشت و رئیس علی دلواری و زائر خضرخان که از جنگ دلواری باز می گشتند به شیخ حسین خان چاه کوتاهی پیوستند. شب ۲۲ یا ۲۳ شوال رئیس علی دلواری پس از شبیخون به انگلیسیها به شهادت رسید. شیخ حسین خان چاه کوتاهی در شب ۲۷ شوال ۱۳۳۳ با ۳۵۰ تفنگچی دشتی و تنگستانی و یکصد نفر تفنگچی دشتی همراه خالو حسین بردخونی به خونخواهی رئیس علی دلواری راهی کوه گزی شد. پس از آرایش جنگی دو طرف، ابتدا شیخ حسین خان در جنگ پیروز شد. اما فردای آن روز دو هزار نفر با کشتیهای جنگی که از

بصره مهمات جنگی آورده بودند به کمک انگلیسیها شتافتند. عده‌ای از مجاهدین کشته و عده‌ای بر اثر تمام شدن مهماتشان از صحنه جنگ عقب نشستند. شیخ عبدالحسین خان پسر شیخ حسین خان چاه‌کوتاهی هم در این نبرد شهید شد. در این میان تنها شیخ حسین خان سواره بود و بقیه جنگاوران پیاده بودند.

ادامه مقاومتها علیه انگلیس

قیام شیخ حسین خان تأثیر خود را گذاشت. در پاییز سال ۱۹۱۵ انجمن ملی حفظ استقلال ایران با همکاری ژاندارمری، حرکت ضدانگلیسی خود را در شیراز شروع کردند. ابتدا نایب کنسول افتخاری انگلیس به نام نواب غلامعلی خان را در ماه اکتبر به قتل رساندند، سپس سیمهای تلگراف را قطع کردند و نیرو و توپ در نقاط مختلف سوق الجیشی و مواضع نظامی قرار دادند. آن‌گاه نمایندگان انجمن به سرهنگ دوم و ف. اوکونر، کنسول انگلیس در شیراز، اطلاع دادند که یا تسلیم شود و یا آماده بمباران گردد. اوکونر مجبور به تسلیم شد. بنابراین تمام اتباع انگلیسی را تحت‌الحفظ به طرف سواحل خلیج فارس روانه کردند. زنها را به بوشهر فرستادند و مردان را در قلعه اهرم، متعلق به زائر خضر خان، یکی از رؤسای جنبش مقاومت، زندانی کردند.^{۱۱}

۱۶۲

در نهایت مقرر شد در یازدهم شوال ۱۳۳۴ (۱۹۱۶ م) انگلیسیهای مقیم بوشهر، مجاهدان اسیر و چای توقیف شده زائر خضر خان، پولهای شیخ حسین خان که نزد حاجی رئیس‌التجار بود و انگلیسیها آن را توقیف کرده بودند، در سربست با اسرای انگلیسی در دست مجاهدین، مبادله کنند. مجاهدین در مکاتباتی با قائم مقام کنسول انگلیس در بوشهر اجازه تعمیر خط تلگراف را دادند و بدین ترتیب مرحله اول نبرد به پایان رسید. اما با سقوط کابینه وثوق‌الدوله در ژوئن ۱۹۱۷ دشمنی دولت ایران و دمکراتها نسبت به اعمال انگلیسیها در ایران آشکار شد. مخبرالسلطنه به وزارت داخله منصوب شد و تبلیغات ضدانگلیسی را شروع کرد. عده زیادی از افسران پلیس جنوب تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفته بودند. عشایر عرب مشدی جان‌خانی نیز به یکی از پاسگاههای پلیس جنوب در راه شیراز - اصفهان حمله کردند. مردم افرادی را که با انگلیسیها در تماس بودند مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند.^{۱۲}

در ماه مارس همان سال، دولت انگلیس در یادداشتی به دولت ایران پس از تأکید بر تضمین دائمی استقلال ایران تقاضا کرده بود که ایران، پلیس جنوب را به رسمیت بشناسد و در مقابل قشون انگلیس تا پایان جنگ جهانی، مرزهای آذربایجان را حفظ کند. دولت ایران در پاسخ، پلیس جنوب را نیروی خارجی و تهدیدی بر استقلال و تمامیت ایران دانست و فرستادن قشون

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

انگلیسی را به ایران نقض بی طرفی ایران در جنگ دانست. یادداشت دولت بریتانیا و پاسخ دولت ایران بنا به دستور دولت در شیراز و جنوب و سایر نقاط منتشر شد. این امر موجب گردید عشایر جنوب ایران به حرکت درآیند و با اتحاد خود به سرکردگی قشقاییها قرار گذاشتند در اواخر ماه مه به انگلیسیهای مقیم شیراز حمله کنند.^{۱۳} بدین ترتیب بار دیگر مقاومت مردمی در جنوب ایران علیه انگلیسیها شکل گرفت. در ماه مه ۱۹۱۸ انگلیسیهای مقیم شیراز برای جلوگیری از درگیری با رئیس ایل قشقایی، که کازرونیها به سرپرستی ناصر دیوان جمعی از قبایل دشتستان و دشتی و عشایر ناراضی عرب با او همراه بودند، تلاشهای زیادی به عمل آوردند.^{۱۴} صولت الدوله رئیس ایل قشقایی که تنها توسط چند نفر از اعضای کابینه حمایت می شد، در اعلامیه ای علیه انگلیسیها قشون پلیس جنوب را نزد حکومت ایران فاقد رسمیت دانست و اعلام کرد که مبارزه قشقاییها و ساکنین کازرون و دشتی دشتستانی و سایر نقاط به موجب دستور دولت ایران برای دفاع از اسلام است و حمله او به انگلیسیها و پلیس جنوب اطاعت از اوامر دولت است.^{۱۵}

۱۶۳

صولت الدوله قشقایی به همراهی قوای دشتی دشتستانی و کازرونی به استعداد حدود هشت هزار نیرو و با پشتیبانی ساکنین شیراز که توسط علما علیه انگلیسیها تحریک شده به جهاد دعوت می شدند، آماده حمله به انگلیسیهای مقیم شیراز شد. در ماه مه حملات عشایر شروع شد و تا ۲۵ آن ماه ادامه یافت که ابتدا شکست با عشایر بود، ولی در ۱۶ ژوئن برای جبران شکست از دشتی و دشتستان کمک گرفتند. بدین ترتیب شیراز محاصره شد و در ۱۷ ژوئن حملات عشایر به انگلیسیهای مقیم شیراز آغاز گردید. انگلیسیها که خود را در وضعیت بدی می دیدند با ایجاد تفرقه میان عشایر، موفق به دفع حمله آنان شدند. از نظر سرپرسی سایکس، نیروهای مقیم شیراز و بوشهر از راه هندوستان محافظت می کردند^{۱۶} و این دو شهر سنگرهای مقدم جبهه حمایت از هندوستان به شمار می رفتند. عشایر جنوب ایران که استقلال کشور خود را در خطر می دیدند ابتدا به شیراز حمله کردند. در اثنای جنگ به منظور حمایت از انگلیسیهای مقیم شیراز از طریق هندوستان و از راه بوشهر به شیراز کمکهایی ارسال می شد، اما برای تسریع در فرستادن کمک به انگلیسیهای مقیم شیراز مقرر شد راه آهن سبکی از بوشهر تا برازجان کشیده شود و کمکهای ارسالی از آنجا به دالکی و کازرون و سپس شیراز حمل شود. داگلاس، فرمانده نیروی نظامی انگلیس در بوشهر، مأمور ایجاد خط آهن و باز نمودن راه ارتباطی با شیراز شد. از نظر داگلاس، عامل مهم شکست مقاومت عشایری که به شیراز حمله کرده بودند، انتشار خبر ورود نیروهای کمکی بوشهر به شیراز بود.^{۱۷}

مشکلات انگلیسیها عمدتاً فیزیکی بود و آنها می بایست طبیعت جغرافیایی ایران را به خوبی

بررسی می‌کردند. انتظار هیچ مخالفت جدی از سوی قبایل محلی نمی‌رفت.^{۱۸} قبل از آن انگلیسیها که اوضاع اقتصادی حکومت ایران را نابسامان می‌دیدند وانمود کردند که راه آهن بوشهر به شیراز می‌تواند عواید مالی فراوانی داشته باشد.^{۱۹} مقاصد استعماری انگلیس در این راستا به ثمر رسید زیرا پس از آن از طریق ریاست وزراء به وزارت خانه‌های مالی و فواید عامه دستور داده شد که برای خرید راه آهن برازجان (بوشهر - دالکی) با انگلیسیها وارد مذاکره شوند.^{۲۰} تحریک انگلیسیها برای احداث خط آهن بوشهر - برازجان (دالکی) که مقاصد استعماری خود را دنبال می‌کردند از یک طرف و همکاری نیروهای وابسته به انگلیس در حاکمیت ایران از دیگر سو، و نیز عواید مالی حاصل از اجرای این پروژه سبب شد که داگلاس مانعی در ایجاد خط آهن نبیند. در جنوب ایران بار دیگر، جنبش مقاومت شیخ حسین چاه‌کوتاهی آغاز شده بود و نیروهای انگلیسی شکست سختی خورده بودند. در ۱۹۱۸ م که شیراز درگیر جنگ عشایر و انگلیس بود و تقریباً استقلال ایران در این قسمت از بین رفته بود، انگلیسیها برای حمایت از نیروهای خود در شیراز شروع به کشیدن خط آهن از بوشهر نمودند. از نظر مخالفین سیاست انگلیس از جمله شیخ حسین خان چاه‌کوتاهی، رسیدن راه آهن بوشهر به شیراز انداختن زنجیر اسارت و بندگی به گردن ملت ایران بود. از این رو برای جلوگیری از به خطر افتادن استقلال ایران دست به تحرکاتی زدند. شیخ حسین در ۱۶ ذی قعدة ۱۳۳۶ نامه‌ای به میجرری قائم مقام کنسولگری انگلیس در بوشهر نوشت و در آن تهدید استقلال ایران را یادآور شد و از وی پرسید که آیا این خط آهن به موجب معاهده با دولت ایران است، یا خیر.^{۲۱} انگلیسیها به این نامه پاسخی ندادند. آقا میرزاعلی کازرونی و شیخ محمد حسین برازجانی برای دفاع از وطن به همراهی شیخ حسین چاه‌کوتاهی به تحریک مردم پرداختند. انگلیسیها با سیاست تفرقه اندازی، عده‌ای از مردم دشتی و دشتستان را از نیروهای مبارز جدا کردند، ولی شیخ محمد حسین برازجانی و زائر خضرخان و شیخ حسین چاه‌کوتاهی و غضنفر السلطنه در یک صف علیه انگلیسیها قرار گرفتند. در ۱۲ ذی حجه ۱۳۳۶ / سپتامبر ۱۹۱۸ در اجتماع چاه‌کوتاه، سیدحسن درودگاهی و شیخ عبدالنبی دروایی با تفنگچی‌های خود به آنها پیوستند. ائتلاف عشایر تنگستان، آقا میرزاعلی کازرونی را با استفساریه‌ای جدید به بوشهر نزد میجرری فرستادند و گفتند در صورت عدم ارائه حکم اجازه احداث خط آهن از طرف دولت، تا آخرین قطره خون در مقابل آن ایستادگی می‌کنیم. انگلیسیها نیز اجازه احداث خط آهن را به وثوق الدوله رئیس‌الوزرای وقت نسبت دادند. انگلیسیها شش هزار نفر سواره و پیاده با توپ و مهمات آماده حرکت به طرف مجاهدین کرده بودند. مجاهدین نیز آماده مقابله شدند و علما و مردم را به جهاد تشجیع و تشویق کردند. آقا میرزاعلی تسلط و استیلای بیگانگان را برای

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

مجاهدین تشریح و رفتار آنها را با کشورهای تحت سلطه تشریح کرد و روح فداکاری را در آنها دمید. اما افرادی چون شیخ عبدالله چاه کوتاهی، حاجی خان برازجانی و حسن خان اهرمی و زائر غلامعلی تنگستانی که توسط انگلیسیها فریب خورده در مقابل مواظ و نطق علما و وطن خواهان اخلال می کردند، در نبردی با انگلیسیها عرصه را رها کردند و مردم هم از پی آنان فرار کردند.^{۲۲} داگلاس، فرمانده نظامی انگلیس در بوشهر در این باره می نویسد:

انتظار نمی رفت هیچ مخالفت جدی از سوی قبایل محلی صورت گیرد و در واقع آنها نیز این توانایی را نداشتند که با یک پیشروی سازمان یافته و منظم مخالفت ورزند.^{۲۳}

داگلاس در مورد اولین برخورد خود آورده است:

حکومت ایران با حرکت ساخت راه آهن موافقت کرده بود و برای کارمندان خویش دستوراتی مبنی بر همکاری و مساعدت صادر کرده بود. اما این دستور همکاری در قبایل بی اثر بود. سه رهبر تنگستان چاه کوتاهی و برازجان که ناحیه تحت نفوذشان در مسیر راه ما قرار داشت و درآمد خود را از راهداری به دست می آوردند برای ما اولتیماتوم می فرستادند. در این اولتیماتوم آمده بود که به ما اجازه تعمیر سیستم تلگراف را خواهند داد اما تا آخرین قطره خونشان با ساخت راه آهن مخالفت خواهند کرد. آنها با حدود ششصد نفر در جغادک واقع در آن سوی مشیله سنگربندی کرده نخلستانهای آنجا را تصرف کردند. لازم بود پیش از آنکه کار باقیمانده ساختن راه آهن شروع شود آنها را از موضع خود خارج سازیم. در ۲۸ سپتامبر این امر با یک ستون کوچک مرکب از گردان پیاده نظام، یک دسته سواره نظام و دو توپ به انجام رسید. پیش از به کار گرفتن توپها انسجام قابل مذکور از هم گسیخته شد و گریختند.^{۲۴}

سیاست تفرقه انگیزی انگلیسیها، انسجام قبایل را از هم گسست و جنبش مقاومت را در برابر انگلیس و احداث خط آهن به صورت نبردهای پراکنده بعدی درآورد. داگلاس در ادامه گفته است که در اکتبر سال ۱۹۱۸م بیماری آنفولانزا در جنوب ایران شایع شد و تعداد زیادی را به هلاکت رساند. پس از شکست عشایر تنگستانی و دشتی به رهبری شیخ حسین چاه کوتاهی و زائر خضرخان و غضنفرالسلطنه هرکدام از رهبران به محل اقامت خود مراجعت کردند. انگلیسیها در ۲۶ ذی حجه ۱۳۳۶ با ۲۵۰ سوار و سه عراده توپ برای تصرف چاه کوتاه حرکت کردند. پسر شیخ حسین بنام شیخ عبدالرسول خان در مقابل آنها مقاومت و آنها را مجبور به عقب نشینی کرد. در ماهور باغک نیز زائر خضرخان با انگلیسیها درگیر شد که انگلیسیها شکست خوردند.^{۲۵}

انگلیسیها شیخ حسین را بزرگ ترین دشمن و مانعی جدی برای اجرای نیات خود می دانستند، بنابراین در ۲ محرم ۱۳۳۷ ابتدا دو دسته نظامی را با استعداد کافی برای حمله به چاه کوتاه

حرکت دادند. چون قشون شیخ حسین متفرق شده بود ابتدا به کوه نینزک و از آنجا به کوه ارغنون، از بلوک دشتی، سپس به قلعه فاریاب از دهات بلوک رفت و در آنجا توقف کرد. انگلیسیها نیز چاه کوتاه را تصرف و تمام این ناحیه و احمدی را به شیخ عبدالله چاه کوتاهی و احمدخان انگالی، مروج سیاست انگلیسیها دادند؛ سپس متوجه زائر خضرخان شدند. زائر خضرخان نیز به کوه پناه برد و انگلیسیها حسن خان تنگستانی را به جای وی گماردند. غضنفرالسلطنه نیز به کوه فرار کرد و آقاخان به جای وی در برازجان منصوب شد. در اواخر صفر ۱۳۳۷ پس از شیوع آنفلوانزا خانهای تنگستانی طرفدار انگلیس به کوه خاویز، مقر زائر خضرخان، حمله کردند. او ضمن مقاومت از شیخ حسین چاه کوتاهی استمداد کرد. شیخ حسین پسر خود عبدالرسول را به کمک زائر خضرخان فرستاد و انگلیسیها نیز کلنل گریکسون را با سه عراده توپ به کمک دوستان خود فرستادند و سرانجام انگلیسیها شکست خوردند اما دست برنداشتند و با کمک هواپیما به اردوگاه زائر خضرخان حمله کردند. زائر خضرخان ناچار به قریه آشی عقب نشست ولی پس از یک ماه مجدداً قلعه جات خاویز را که به دست حسن خان حامی انگلیسیها افتاده بود، باز پس گرفت. شیخ حسین چاه کوتاهی نیز پس از تجدید قوا در برازجان به قوای انگلیسی که سرگرم احداث خط آهن بودند، شبیخون زد. انگلیسیها که قدرت مقابله و رویارویی را نداشتند با هواپیما مواضع شیخ حسین را بمباران کردند. در این میان یک هواپیمای انگلیسی توسط عبدالرسول خان پسر شیخ حسین چاه کوتاهی سقوط کرد. پس از آن بود که هواپیماها در ارتفاع بالاتر پرواز می کردند.^{۲۶} عوامل انگلیسی نیز در این موقع بی کار نشستند. زائر عبدالله خان خورموجی به بلوک دشتی آمد و پس از دریافت مالیات و اخذ جریمه زیاد و تحریک مردم بر ضد مجاهدین به خورموج بازگشت.^{۲۷} علاوه بر نیروهای انگلیسی، نیروها و عوامل محلی به دشمنی با مجاهدین برخاستند. شیخ حسین چاه کوتاهی در این موقع به تنگ زرد، از مناطق خون، آمد و مردم را به استقامت و فداکاری ترغیب و تشویق کرد و به آنها فهماند که زائر عبدالله خان خورموجی از سوی انگلیسیها تحریک شده است. اظهارات او تا اندازه ای در مردم اثر و آنان را برای مبارزه گرم تر کرد.^{۲۸}

جی. آی. داگلاس رهبر عملیات احداث خط آهن بوشهر - برازجان می گوید:

با رسیدن خط آهن به احمدی، بخش عمده سربازان به طرف برازجان حرکت کرد. هیچ مخالفتی در آنجا صورت نگرفت. حاکم برازجان که از جمله کسانی بود که با ما در چغادک جنگیده بود، پس از مدتی تردید و درنگ سرانجام تصمیم گرفت که راه تپه ها را در پیش گیرد و به جای وی فرد دیگری از سوی حاکم بوشهر تعیین شد. دالکی دو هفته بعد اشغال شد و سربازان فوراً دست به کار فراهم آوردن جاده آن سوی برازجان شدند. باقیمانده قوایی که از هند می آمدند

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

به محض ورود به سوی بالای خط فرستاده می شدند و تا اواسط نوامبر که تمرکز سربازان تکمیل شد، نیروهایی به شرح زیر تنظیم شدند: نیروهای ویژه که از چهار گردان پیاده نظام، یک آتشبار کوهستانی، یک گروهان مسلسل و یک گروهان صحرائی نقب زن که برای کار در معادن بودند. این نیرو تحت فرمان سرتیپ السمی قرار داشت. دو گردان پیاده نظام شامل گردان پیشرو که راه آهن را نصب می کرد، دو دسته سواره نظام و یک گروهان صحرائی نقب زن برای کار کردن و دفاع از خطوط ارتباطی. این دسته گردان کارگر هم داشتند. یک گردان پیاده نظام یک دسته سواره نظام و یک آتشبار توپخانه که پادگان بوشهر را تشکیل می داد. تعداد کل این نیروها حدود یازده هزار نفر بود. سربازان هندی شیراز که تحت فرمان سرپرسی سایکس بودند، از ماه آگوست تحت نظارت من گذاشته شدند. بزودی جاده برای تردد و سایل چرخدار به سوی دالکی آماده شد و نیروی ویژه برای کار روی راههایی که به سوی کتل مالو می رفت، به کار گرفته شد. در همین زمان ما با قبایل دشمن (شیخ حسین چاه کوتاهی و سایر مجاهدین همراه) در گذرگاه فیلی فیلی، تنها معبری که جاده از طریق آن به تپه ها می رسید، مشکلاتی داشتیم. این قبایل در شب به پستهای ما شلیک می کردند و چند بار تلاش کردند تا در کمین دژبانه‌های محافظ دسته‌های کارگر که در حال حرکت به طرف مواضع خود در بالای تپه ها بودند، قرار گیرند. این امر ما را مجاب کرد که دسته‌های کوچکی برای تحت فشار قرار دادن و دور ساختن آنها بفرستیم و گرچه در این مورد ناموفق بودیم، ولی روستایی در تپه ها، جایی که مقر اصلی و انبار ملزومات آنها بود به تصرف درآمد و ذخایر آن نابود گردید. بعد از این آنها از آزار ما دست برداشتند. تا پایان ماه نوامبر خط آهن به برازجان رسید. تا نوزدهم دسامبر این جاده تا قله تکمیل شده بود. و حدود نه مایل دیگر آن را ادامه دادند که از دشت خشت به سوی چروم واقع در پایین گذر کمارج می رفت. هنگامی که شخص توجه داشته باشد که این کار تماماً توسط سربازانی بدون هیچ گونه تجربه قبلی در کار جاده سازی صورت گرفته است، و اینکه کشیدن جاده از دالکی تا قله گذرگاه مستلزم انفجارهای بسیار سنگین در صخره ها بود و اینکه آنها همچنین مجبور بودند پیوسته در برابر حملات احتمالی در حالت دفاعی باشند من فکر می کنم که بتوان تصدیق کرد که این یک کار برجسته و بسیار ارزشمند بوده است.^{۲۹}

از نظر نظامی شاید تنها راه مقابله با ارتشی منظم، همان شیخون باشد. علاوه بر این نیروهای انگلیسی همواره در حالت دفاعی در مسیر احداث خط آهن حضور داشتند. فرمانده قوای انگلیسی اظهار می کند که ما در کمین مخالفین قرار می گرفتیم، پس نیروی کوچکی را برای دور ساختن آنها می فرستادیم ولی ناموفق بودیم. این سخنان نشان می دهد که جنبش مقاومت در برابر انگلیس تا چه اندازه قوی بوده است. داگلاس همچنین می افزاید که تنها با گرفتن انبار

ملزومات آنها که در یک روستا بود، آنها از آزار ما دست برداشتند. از آنجا که سه نفر از سرسپردگان انگلیسی جای سه رهبر این جنبش یعنی زائر خضرخان و غضنفر السلطنه و شیخ حسین چاه کوتاهی را گرفته، بر مناطق تحت تصرف آنها حکم می‌راندند و آلت اجرای مقاصد انگلیس شده بودند باید یکی از علل اصلی شکست این جنبش را خیانت نیروهای محلی سرسپرده به انگلیس دانست که با راهنمایی آنها مقر انبار و ملزومات جنبش نابود و راه اجرای مقاصد و نیات انگلیسیها هموار شد.

انگلیسیها پس از احداث راه آهن در صدد محکم کردن خط آهن، کامل کردن پلها و احداث مسیر ارا به رو بهتر و دائمی از انتهای راه آهن به بعد شدند.^{۳۰}

بدین ترتیب راه آهن بوشهر به برازجان علی‌رغم مقاومت مردمی به رهبری شیخ حسین چاه کوتاهی احداث و با نیروی نظامی انگلیس برای حمایت از نیروهای انگلیسی در شیراز و اجرای مقاصد استعمارگرانه آنها حفاظت می‌شد. شکست نیروهای عشایری در شیراز و روی کار آمدن سردار احتشام ضیغم‌الدوله به عنوان ایلخانی توسط انگلیسیها^{۳۱}، هرگونه امید همکاری از سوی عشایر هم جوار از شیخ حسین چاه کوتاهی سلب شد و با رسیدن قوای کمکی بوشهر به فرماندهی داگلاس به نیروهای سرپرسی سایکس که در شیراز به جنگ با عشایر مشغول بودند، بار دیگر انگلیسیها توانستند به نیت استعماری خود برسند. ایجاد تفرقه میان عشایر دشتی و تنگستانی و خودفروختگی برخی سران قبایل محلی، عدم حمایت کابینه و ثوق‌الدوله از جنبش مقاومت شیخ حسین چاه کوتاهی که هم‌زمان با پراکنده شدن رهبری جنبش در مناطق تحت نفوذ خود و کوههای اطراف، سبب شکست جنبش مقاومت شیخ حسین چاه کوتاهی شد. در ۱۳۳۷ ق/ ۱۹۱۸-۱۹ م شیخ حسین چاه کوتاهی شرح فداکاری خود را در راه استقلال وطن برای معاضد السلطان، کارگزار تازه بوشهر نوشت. وی نیز در صدد اصلاح کارها برآمد اما دخالت انگلیسیها مانع از اجرای اصلاحات وی شد و او را از بوشهر تبعید کردند. شیخ حسین چاه کوتاهی سپس عرض حالی به وزارت خانه‌های امور خارجه و داخله فرستاد و ضمن بیان دلایل قیام خود و همراهان و شرح تمامی فعالیت‌هایش خواستار رسیدگی به امور منطقه شد.^{۳۲} وزارت امور خارجه نیز موضوع را به وزارت داخله ارجاع داد.^{۳۳} وزارت داخله نیز در نامه‌ای به تاریخ ۱۹ ربیع الاول سال ۱۳۳۸ ق خطاب به کارگزار ایالت فارس و بنادر، دستور رسیدگی به درخواستهای شیخ حسین چاه کوتاهی را صادر کرد.^{۳۴} لیکن کارگزاران ایالت فارس و بنادر ده روز بعد در پاسخ به وزارت داخله، این افراد را متمرذینی معرفی کرد که قبلاً اقدام به حبس کنسول و رئیس بانک و تجار انگلیس نموده‌اند.^{۳۵}

بدین ترتیب عوامل انگلیس در حاکمیت ایران از رسیدگی به درخواست حامیان وطن

بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی

جلوگیری کردند. شیخ حسین چاه کوتاهی با روی کار آمدن کابینه مشیرالدوله به قصد مذاکره با حکومت مرکزی به نزدیکی چاه کوتاه آمد، اما انگلیس هرگونه مذاکره او و دولت مرکزی و استفاده از تلگراف را بر روی ممنوع و در شب ۷ ذی قعدة ۱۳۳۸ / ۱۲۹۹ ش محل اقامت شیخ حسین چاه کوتاهی را محاصره و آن را گلوله باران کرد. شیخ حسین چاه کوتاهی پس از مقاومت، کشته شد و جنبشی دیگر علیه استعمار انگلیسیها به خاموشی گرایید.

پانوشتها:

- ۱- گزارشهای سرپرستی سایکس سرکنسول انگلیسی در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، ۱۳۷۷، پروین. صص ۱۳ و ۱۴ و ۱۵.
- ۲- همان، ص ۴۸.
- ۳- همان.
- ۴- فرامرزی، احمد. شیخ حسین خان چاه کوتاهی، به کوشش سیدقاسم یا حسینی، تهران، نشر شیرازه. ۱۳۷۷، ص ۲.
- ۵- همان، سند شماره ۱، ضمیمه کتاب.
- ۶- شیخ حسین خان چاه کوتاهی، ص ۲۴.
- ۷- همانجا.
- ۸- همان، صص ۲۱ تا ۲۳.
- ۹- همان، صص ۱۵ تا ۱۸، نامه شیخ حسین خان چاه کوتاهی به مستر چیک به تاریخ ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳. ق.
- ۱۰- همان، صص ۱۸ تا ۲۰، نامه مستر چیک به شیخ حسین خان چاه کوتاهی.
- ۱۱- سایکس، سرپرستی. تاریخ ایران، ترجمه فخر داعی. تهران، چاپ سوم، ج ۲، صص ۶۸۲-۳۸۳.
- ۱۲- تاریخ ایران. ص ۷۶۳.
- ۱۳- همان، ص ۷۶۵.
- ۱۴- همان، ص ۷۶۶.
- ۱۵- همان، ص ۷۶۶.
- ۱۶- همان، ص ۷۸۷.

17- Douglas. Major-General. J.A., C.M.G., C.I.E, The Bushir - Shiraz Road, 1918-19, Journal of The Royal Central Asian society, VOL.X.(1923) P 107.

- ۱۸- همانجا.
۱۹- سند شماره ۱.
۲۰- سند شماره ۲.
۲۱- شیخ حسین خان چاه کوتاهی. ص ۶۴.
۲۲- همان، ص ۶۸.

23- The Bushir-Shiraz Road 1918-1919 P 107.

- ۲۴- همان، ص ۱۰۸.
۲۵- شیخ حسین خان چاه کوتاهی، صص ۷۲، ۷۳.
۲۶- شیخ حسین خان چاه کوتاهی، ص ۷۸ تا ۸۲.
۲۷- همان، ص ۸۲.
۲۸- همانجا، صص ۸۲، ۸۳.

29- The Bushire-Shiraz Road 1918-1919 P 109-111.

- ۳۰- همانجا، ص ۱۱۰.
۳۱- تاریخ ایران، ص ۷۷۷.
۳۲- سند شماره ۳.
۳۳- سند شماره ۴.
۳۴- سند شماره ۵.
۳۵- سند شماره ۶.



بررسی جنبش شیخ حسین خان چاه کوتاهی و تأثیر بر راه آهن بوشهر - دالکی



۱۷۱

سند شماره ۱





ایران ملی Archives

۱۹۸۸

مخدوم محترم خان کرم که به توفیق یمن امیر کورستان
 مقام عالی حضرت قاضی و قاضی است برادر
 محلات عالی که به نرسد که در این شهر
 در امور کورستان و دولت علی بن محمد است
 این است که در این شهر به کار می رود
 این که در این شهر به کار می رود
 در این شهر به کار می رود
 در این شهر به کار می رود
 در این شهر به کار می رود
 در این شهر به کار می رود
 در این شهر به کار می رود
 در این شهر به کار می رود
 در این شهر به کار می رود





